

در بزرگداشت ۷۰مین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

★ سخنرانیهای میخائیل گارباچف در ★ سخنرانیهای رفیق فرخ نگهدار در
همایشهای ۷۰مین سالگرد
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

★ ابتکار نوین برای هم اندیشی در راه صلح و عدالت در جهان

در صفحات ۵ - ۱۲

نامه به خاورپرزده و کوته‌نظر

در دفاع از صلح و زندانیان سیاسی
در صفحه آخر

جهاد برای امتیاز

در یکی دو هفته اخیر، میهن جنگ زده ما یک بار دیگر ناگهان هدف تلاش های رژیم پانزده ساله سران رژیم پارتی است. با موافقت خمینی، شورای عالی پشتیبانی جنگ که سردمداران اصلی رژیم پانزده ساله است، تدارک موج تازه ای از عملیات نظامی علیه عراق در سراسر جبهه ها، تصمیمات جنگی جدیدی اتخاذ کرده که طی یک اعلامیه ده ماهه ای اعلام گردید. مطابق این اعلامیه کسانی که می توانند جبهه بیرون دنیا بید خود را به نیروهای مسلح معرفی کنند و کسانی که آنها را توانائی را ندارند باید هزینه یک ماهه یک نفر را در جبهه تامین کنند، در ضمن آن متضمنان موظف شده اند که همسر ما به ملی را بر طبق نیازهای جنگ به کار بگیرند، دستگاها و پولتی باید تامین نیازهای جنگ را در در اس وظایف خود قرار دهند، سپاه موظف شده است که برای هر کسی که می تواند جبهه بیرون دنیا را در جبهه تعیین کند، در قضاوت در تفسیر این تصمیمات گرفته است که رژیم "جنگ جهانی" و "جهاد ملی" داده است.

موضعگیری آنکارا رخنه‌ها به نفع شروع آنها جماعت تازه در جبهه ها و دخالت غلبه او پس از ما همیا سکوت در این زمینه، با نکتتهای دیپلماتیک اخیر رژیم در زمینه جنگ و در سطح جهانی در ارتباط است. جدیدترین شکست رژیم، تصمیمات اخیر نشست سران کشورهای عربی در عمان است. در این نشست جمهوری اسلامی به دلیل انتقال خاک عراق و عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به اتفاق آرا محکوم و به بین ترتیب در منطقه عربی خاور میانه بیش از پیش مطروودند.

اکنون مدعی است که سران رژیم مطرح می کنند ابتدا مسئول آغاز جنگ توسط سازمان ملل معرفی و بر داد خت غربی مت پذیرفته شدن آن تئیس برقرار شود. این پیش شرط ها با پیش شرط های قبلی تفاوت فاحش کرده اند. قبلا سران رژیم اولاً، سرنگونی صدام و احزاب بعثت و حتی استقرار جمهوری اسلامی در عراق را شرط صلح قرار می دادند، ثانیا از مذاکره در باره جنگ و اختلافات در کشور امتناع می کردند، ولی روند رویدادها رهبران جمهوری اسلامی را از دست یابی به آن هدف نا امید کرد. از سوی دیگر این روندها به آنها تفهیم کردند که امتناع از مذاکره تا ابد ممکن نیست و این موضعی نیست که بتوانند در روی آن تا به آخر ایستادگی کنند. در نتیجه امروز شکلی از مذاکره را پذیرفته اند.

رهبران رژیم گرچه از رزوها و خیالات خود دست نکشیده اند، اما اوضاع به گونه ای پیش رفته است که آنها مجبور شده اند بنگونه ترها را به نماز جمعه ها و مجالل خصوصی اختصاص دهند تا برای طرح در مذاکرات رسمی، این عقب نشینی آخوندها، نهاد و طلبانده بلکه جاری و نتیجه بین بست رسیدن ما شین جنگی آنها، نتیجه مقابله و مبارزه مردم علیه جنگ، و خامت اقتصاد دکتور و گریبهای درون بقیه در صفحه ۲

نیوشا فرهی

حماسه فدا شدن براه خلق

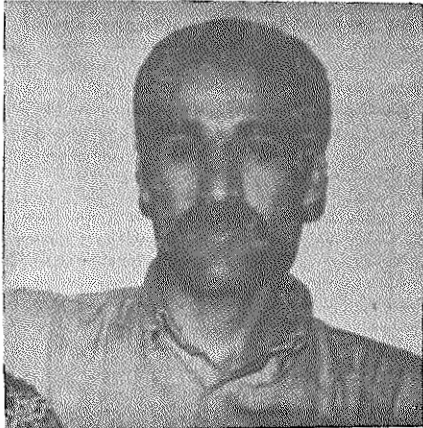
"هرگز نمیبرد آنکه دلش زنده نماند عشیق شت است در جریده عالم دوام ما" بعنوان اعتراض به حضور خا منهای جلا در سازمان ملل متحد،

و نیز اعتراض به سیاست های خارجی اولتر راست دولت ریگان،

و همچنین اعتراض به عملکرد زهر آلود جوجسه شیت های شاه لاهی که همچنان در خدمت با خلفهای ستم دیده ایران پای می فشارند،

خود را به آتش می کشد

مرکز برامپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مرکز بر نظام مملکت فقیه نا بود با بدیقای خردم شاه درود به زندگانی درود به آزادی درود به خلق های مبارز و رنج دیده جهان سوم درود به ایران و همه خلق های ستم کش آن درود به نیروهای انقلابی و جبا ایران و جهان درود به کمونیسم



فدائی قهرمان، رفیق محمود زکی بور، انقلابی پرشوری کدسا لیان در راه آزادی و بهر روزی مردم کشورش رزمیدوداغ مکنجه گاهای دور رژیم را برتن داشت، به دست جلادان اوین تیرباران شد، گرامی باد ساد او، پر رهرو باد راه او!

است. سلف خری کالاهای به سلف خری آرا، رسیده است او گفت که می هزار تومان، در بعضی از تیرها به آقا یان می دهند تا کاندید مورد نظر آنها تبلیغ شود. در همان جلسه مجلس، بزدی چهره سرشان تا نشست "رسالت" حاشی را در راه تفرقه افکنی منتهی نمود و گفت که برای تفرقه افکنان "برونده تشکیل شده است. اگر این اظهارات بزرگ در کنار سخنان مشاور وزیر کشور قرار گیرد که گفته بودم مخالفین دولت با طرفداران دولت همان برخوردی را دارند که با شما فغان و ما رگسینتها، آنگاه معنی "برونده سازی" از زبان بزرگوار "شهد" گوئی حاشی را زاده روشن تر می شود.

در چنین فضای که سران "شرخ" رژیم ما نیستند کرگان درنده، به یکدیگر جنگ و دندان نشان می دهند و با ندها، انواع حربهای متداول و شناخته شده جمهوری اسلامی، زبول و ترور رژیم تا عوام قریبی بقیه در صفحه ۲

بلوای انتخابات و تاکتیک "اپوزیسیون قانونی"

اکنون در حالی که برخی بیروان منتظری با تیغ "وابستگی به گروه مچدی هاشمی" تهدید می شوند و "قانونمقا مهربری" تلاش برای یک خطی کردن مجلس را خیانت به انقلاب می نامد، طرفداران دولت موسوی و با ندها شمی رخنه های با آنگاه به پشتیبانی خمینی به کار "با کسای" وزارت کشور به منظور تدارک مجلس "یک دست" ادا می دهند. جناح "رسالت" کار را به "سلف خری آرا" کشانده و فاعی بیدار آورده است که مخالفینش نگران خود شده اند. مثلاً "حاشی زاده" نماینده طرفدار دولت این دلواپسی را با زتاب داده است. او در شروع سخنرانی اش به نشانده نگرانی از آینده، ابتدا "شهادتین" بوزبان جاری کرد و سپس اعلام نمود که "زیبش رای خریدن حرام

توطئه های رژیم در کردستان

جمهوری اسلامی می گوید تا بموازات سیاست اصلی اش در کردستان که تا به سر نیزه و سرکوب خشن هرندی حق طلبان را درخواها نه است، در بعضی هائی نیز به طاهر از خود انعطاف به خرج دهد. این سیاست که به اصطلاح با هدف جدا کردن از جنبش مسلحان و مقاومت خلق کردپراچی شده، با وعده و وعیدهای از طرف ما موران حکومتی در رابطه با اختتام بودجه و امکانات به کردستان و جبران عقب ماندگی های کمیبودهای خدماتی، واقداً ما می محدود و تمام می همرا ه است.

اما آنچه که در این رابطه تاکنون پیش رفته بطور عمده در خدمت اهداف نظامی رژیم برای تثبیت موقعیت آن در کردستان بوده است. ساختن جاده های نظامی در بنوا مرزی و بعضی از مناطق روستا دیگر منطقه، با ساختن خدمت جنگ و حفاظت و تامین ارتباط با پکا ههای نظامی متعدد رژیم در کردستان است و بقیه در صفحه ۲

کنگره ۱۳ حزب کمونیست چین گامی بزرگ در راه نوسازی

- ★ **در این شماره**
- ★ بحث علنی برای دستیابی به حقیقت در صفحه ۴
- ★ "اجلاس امان" در دفاع از قطع جنگ در صفحه ۱۴
- ★ جهان در انتظار دیدار رهبران اتحاد شوروی و آمریکا در صفحه ۱۴
- ★ بازداشت رهزنانه رهبران احزاب کمونیست و کارگر ترکیه در صفحه آخر



جهاد برای امتیاز...
رژیم و نیز نتیجه تقویت نیروهای خواهان قطع جنگ در مقیاس جهانی بوده است.

سران رژیم می گویند که همه امکانات موجود را به خدمت بگیرند تا از فشارهای که در جهت قطع جنگ بر آنها وارد می شود بکامیابند و از موضع ضعف به در آیند. در عین حال آنها می خواهند که با جمهوری اسلامی را از جنگ بگریزند و خواهان صلح فوری و خطرناک متوجه حکومت شان نشود و اینکار "آر و ماندان" صورت نگیرد. همین تناقض، آنان را به ادا مسه نومیدانه جنگ وای دارد.

دروغ کثونی آنچه را که سران رژیم در مذاکرات بی می گیرند، این است که شروط خود را به طرف مقابل تحمیل کنند و امتیازات سیاسی و مادی بگیرند. این امتیازات هر چه چشمگیرتر باشد، بر خاری آن بر خواهند بود. "خواهد بود" آنها شایدها از دارندگی گرفتن امتیازات بی شما خود را در ادا میدادند به جهت نزد مردم توجه کنند و جنبه های روزانه خلق را دورتر سازند.

سران رژیم از مردم خوف دارند. به همین دلیل وقتی که می توانستند در جنگ پیروز شوند و می توانستند بیش از این با آتش بین مخالفان کنند، راه چسار را در وضع فعلی در تلاش برای گرفتن امتیازات یافته اند. در نتیجه همین هدفها است که رژیم هیچ عمومی داده است، بسببی که اگر به آنها حجت جدید و نخبه های نظامی منحرف شود، دهها هزار نفر دیگر را نابود خواهد کرد.

سبب کثونی رژیم در وضعیت بفرنج کثونی می توان دید که حوادث بسیار خطرناکی بیانجا مد. در این میان دولت ریگان و متحدان نا توشده می آن فرست دیگری می بیند که از جوار جوش جدید رژیم در جهت تقویت بیشتر مواضع خود در منطقه و حفظ تشنج در خلیج فارس و تثبیت لشکرکشی کثونی به آن باز هم پیروداوری کنند.

برای رهایی جان دهها هزار نفر از خطر مرگ و حفظ همه آن چیزها می که تا کنون در میهن جنگ زده از دست اندازی جنگ در امان مانده است، باید مقاومت سران رژیم در برابر آتش بس در هم شکسته شود. اکنون جمهوری اسلامی در موقعیتی قرار گرفته که نمی تواند در برابر سرکشی اعتراضی و مبارزه مردم همچنان مقاومت کند. امکانات آخوندها برای ادامه جنگ نامحدود نیست و امتیاز اقتصادی کشور و جنبه های فرهنگی و اجتماعی و متاع از خود در جهت باز نیز فراگیر شده است و از درون هیات حاکمه نیز بر سر راهی رهایی از جنگ، کشمکش وجود دارد. علاوه بر آن کشورهای عربی عموما خواهان قطع درگیری هستند و در مقیاس جهانی نیز نیروهای کثوگان استقرار ملح بین ایران و عراق هستند، در حال گسترش است. در موقعیت کثونی نیرو مردم کشور ما بخاطر صلح بیش از هر زمان سریع التا نبر است. جبهه کشور چو در خارج، با همه توان باید اعتراضی و مبارزه علیه جنگ را گسترش دهیم.

در لحظه کثونی باید شعار آتش بس بدون قید و شرط، و پذیرش و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، در برابر شعارهای مردم در مبارزه علیه جنگ و رژیم قرار بگیرد.

توطئه های رژیم...
بقیه از صفحه اول

طریق و اسطه های معلوم ل حال خود پیشمرگان قهرمان را با دادن وعده های واهی بفریبید و بگوشه گرفتن "امان نامه" شتوبی نماید. البته در این راه تهدید و اعمال فشار به خواننده های محروم و زجر کشیده آنها بعنوان روش همیشگی مورد استفاده واقع می شود. در شهر پورما سال جاری پس از تعطیلات پیشمرگان در "نوینار" که منجر به کشته و اسیر شدن تعداد زیادی از اعضای سرکوبگر و جاسای رژیم شد، با دادن تعداد زیادی از امان نامه های پیشمرگه را دستگیر کردند و آنها را برای بازگرداندن و تحویل فرزندان شان تحت فشار و ازادیت قسار دادند.

در کنار اقدامات به اطلاع عمرا نسسی و فرهنگی جمهوری اسلامی در کردستان، تلاشهای زیادی در جهت کنترل اوضاع در منطقه و تثبیت و تحکیم موقعیت رژیم در کردستان صورت میگیرد. اعزام نیروهای غیر بومی و بیاداران کثینی به مدرا و ادارات منطقه و اسکان دادن افراد غیر بومی و جاسای در محلات شهری و مختلف برای تبلیغ، گزارش دهی و جاسوسی و تصفیه افرامترقی و مردمی و سمیاتی علیه نیروهای ملی و مترقی، به وسعت ادا میدارد.

ارگانهای امنیتی رژیم در مساجد و تالارهای کثین در همه کجایه و محلات متراکز را شکار و چشمگوش خود را بکار بندد و از حرکات اعتراضی مردم و وقت و آمدیشمرگه ها اطلاعاتی کسب کنند. این اقدامات در همه شهرهای کردستان انجام می شود. پس از شکست سیاست تسلیح اجباری مردم در روستا ها، مدتهاست با اسداران خمینی مذاحانه تلاش می کنند تا به بیانه واهی ایجاد نمایند در روستا ها، مردم را از راه بنیگنای این اجباری کنند و به خیال خودشان را به تقابل با پیشمرگه ها بکشانند، اما مردم که خوب می دانند چنین سیاستی در خدمت حفظ از بیایگها می رژیم و تمان امنیت برای فرزندان آن است، تن به آن نمی دهند و به مقابله با آن می پردازند.

طرح نسنا جدید رژیم در مورد سران زده شدن افراد بومی در منطقه خود، یکی دیگر از توطئه های آخوندها برای رودر رو کردن مردم با پیشمرگه ها، بر اساس این طرح سران بومی در بیایگها می روستا و منطقه خود به خدمت می پردازند و سواک رژیم می گویند آنها را به جاس - سر باز تبدیل کنند و از این طریق اختلاف و نفاق در میان مردم و نیروهای مترقی را دامن بزنند.

در بعضی از روستا ها ما موران با تهدید و ارعاب مردم، آنها را مجبوری کنند تا آذوقه و نیازهایی را بگهای نظامی مستقر در آنجا را تمانین نمایند. این در حالی است که خود روستایان به نمان ن محتاجند.

اکنون در کردستان مبارزات مردم بیشتر و میتوتر می شود و فشار و محدودیت های رژیم نیز افزایش می یابد. اعتصاب چند ماهه پیش کارگران ۵۵ کوره آجر پزی در اطراف یسوگان برای افزایش دستمزد، اعتراض دسته جمعی چندی پیش روستایان منطقه "سارال" به نگنای این اجباری و اعمال فشار ما موران مستقر در بیایگهای منطقه، بازگشت عده ای از روستایانی که به اجبار رکوچانده شده بودند به روستاهای منطقه "آلان" سر دشت، علیه تهدید و ممانعت با اسداران خمینی، باز می دادن سلاحها به حکومت تا توسط ساکنان تعدادی از روستاهای سقز که به زور مسلح شده بودند، اعتراض و مقابله با تسلیح اجباری در روستا های اطراف یانه، اعتراض و مبارزه روستایان منطقه "منگور" مها با دو پیرا نشهر به تمان آذوقه بیایگهای جاسا، اعتراض کارگران و کارمندان شهرداری به اعزام اعیان برای به جبهه در چند شهر جنوب کردستان... همه موهمه گویای این وضع است. علاوه بر این مقاومت و مبارزه مردم منطقه علیه اعزام اجباری فرزندان شان به جبهه های جنگ و ستیافته است. طی تاستان گذشته جاسای مستقر در بیایگه "خلقیان" در منطقه محال مها باد برای سر باز گیری به شتعدای از روستاهای منطقه از جمله روستاهای "آچی دره" و "قادرا باد" بورش بردند و عده ای از جوانان را دستگیر کرده و بیهوش برای فرستادند. مردم به این عمل شدیداً اعتراض کردند و جوانان اعزامی نیز پس از امدتی از خدمت فرا کردند. چنین وقایع در روستاهای "فیغل لکه" بگی بوکان، اطراف دیواندره، سقز و سیسائی از روستاهای دیگر منطقه به چشم می خورد.

تحقیق در گریه میان حزب دموکرات کردستان و کومله، جردن در نتیجه تقسیم بندی مناطق بود، اما تا ثیرات مثبتی بر اذهان مردم کردستان نبرجای گذاشت، این امر سبب شد تا طی تاستان و به پیسار گذشته عملیات گسترده تری علیه رژیم در کردستان انجام یابد. اما با بدو مبارزه پیشمرگه ها با روحیه و بیکنار عمل بیشتری همراه باشد. طی این مدت تا کتیکهای اتخاذ شده توسط نیروهای مبارز کردستان کاسی از هما هنگی بیشتر آنها با اوضاع و شرایط کثونی منطقه بود. این مساله به نوبه خود بر توان و کارائی آنها مؤثر افتاد و بر خنثی کردن توطئه های سرکوبگره رژیم در منطقه تا شیرگارد.

بلوای انتخابات...
بقیه از صفحه اول

و شتتفعات نوازی همرا به خدمت گرفته اند، مهندس اول با زرگان، این "دلسوز نظام" و "پوزسیون قانونی حضرت امام" لحظه برای مطرح شدن مناسب دیده و با توصیه های متشقا نه برای حاکمیت به صحنه آمده است. "نیفت آزا دی مهندس با زرگان" در بیانه نیندا انتخابی خویش نگرانی شدید خود را از شدید در گریه های درون حکومت و خطر انفجار ریززرگ ابراز داد.

آقای با زرگان ضمن تاکید بر "خطر در گریه های انفجاری گروههای رقیب در حاکمیت که هرکدام به شتاسب و وضعی انکانات و تحجیرات نظامی فراوانی در اختیار دارند" و گفتن اینکه "در گریه های می تواند به نایب بوی کشور ما بیجانجامد"، می نویسد: "تنها راه بقای هرگروه... در تحمل خنوسا برین است و تن دادن به این که همه نیروهای معتقد به انقلاب اسلامی - خواه در درون حاکمیت یا مخالف حاکمیت - بتوانند با حفظ مواضع سیاسی و اقتصادی خود، به تبلیغ مسالمت آمیز نظرات خود بپردازند."

با زرگان نگران سقوط جمهوری اسلامی است. با زرگان می بیند که آخوندها خود را خوندند و در فکر دریدن یکدیگرند و اوضاع به اینگونه پیش برود، به سبب "سیل" به راه می افتد و همه چیز رژیم برود می رود. به همین دلیل نای "ساران" سرمی دهد و از موضع "دلسوزی" و "حساس وظیفه" و "علیرغم بی توجهی، تهدیدها، و خطرات با به جلو گذاشته"، به خمینی نمانده که سواپا باطمینان را با زکنید: "اینک نوبت رژیم اسلامی برای باز کردن فضای سیاسی است" و برای آنکه خمینی ضرورت کشودن سواپا را درک کند، ضمن تاکید بر "بست های جنگ سواپا" و "بحران اقتصادی گسترده و وحشتناک" هشدار می دهد که "از زهران ۶ میلیونی" در انتخابات میان دوره ای "فردم در نظر تان با سیدها برای به عنوان نماینده مردم مجلس را نماند!" و گوشتزد می کند که اگر اوضاع بدین منوال پیش برود سواپا به چنگ نماند و سواپا را زکنند و سواپا را زکنند و سواپا را زکنند (انتخابات با زرگان نگران و انقلابی پیش برود. و از این جهت که با زرگان با حالتی شبیه استفاده به سران رژیم می گوید "برای رضای خدا... و خیر و صلاح خودتان دست از... انحطاط زگرا می بردارید.")

او در گذشته هم، زمانی که یک مشروطه خواه و مسالمت جو بود، با رها به شاه "توصیه متشقا نه کرده بود که فضا را با زکنند و مشروطه را بس بدهد. اما شتاه "بگندگی" کرد و پیش از آن به فکر کشودن سواپا به افتاد که سبب به دست دیوارهای کاخ نیواوران رسیده بود، ناچار از کاز معلوم خمینی که کمتر از شتاه "بگندگی" نیست - به توصیه های پیردیرمخا قیل سرما به داری لیسرال توجه کند و با اصلا بتوانند توجه کند و سواپا را توجه کردن در بنده باشد پس باید آینه در "همچا نبیشر" بر سر کرد و برای این حالت هم که دیوار "سیل" بساید "سرما به گذاری" کرد. از اینجاست که با زرگان گوشه چینی هم به "مردم" نشان داده، در بیانه نیندا ش گریزی به صحرای کربلا می زند که "اختناق" و انحصار دستگاه و فشار بر مردم شدید تر شده است" و مردم از "جان منی، بیگاری و رگودتورما، اختناق و انحصار روح و جنگ به جان آمده اند."

با زرگان پس از بیانه تیرما که اندکی سارچ از اعتدال می نمود، در اطلاعیه میرما از مردم دعوت نمود که "همگی با یادرفعا علیه های انتخابی شرکت کرده و در نهایت بای مند و قیافه و رای آگاهانه و آزادانه خود را بدهیم... و اگر نگذاشته بشد، صراحتاً و اعتباراً بیا فرستیم... اگر با زبانی عتقائی و سرخستی (انسان دانند، بجا است که آخرین جبهه دست زده و از رفتن به حوزه ها و انداختن آراء خودداری کنیم." این جمله آخر دعوتنامه با زرگان که ظاهرها کل آنرا متنا قن کرده است تنها در پرتو بررسی های یک لیسرال از نوع با زرگان قابل فهم است. این جاسوسی نشان می دهد که با زرگان از اینگونه تهدیدها زبا نکرده است و از جمله در آخرین بیانه نیندا انتخابی که مسالمتی و از مندی ریاست جمهوری سر برد آورد، با زرگان ۱۱ شرط برای شرکت در انتخابات گذاشته بود. البته سران رژیم به شرایط واقعی نیندا نند، ولی از این راه روی مبارک نیا رود و در ردیف کلی نیندا ها نام توموسی کرد و جالب اینکه علیرغم همه اینها صاحب ولی ققیه پنجمه "جوانمردی" و "گذشت" را ندیده نگاشته و مسالمت را از لیسرل حذف کردند.

برخورد های چندبیلوی با زرگان که به کوشه های از آن اشاره شد، همه بیانگر آنند که و در جستجوی جاشی برای شستن میاندلی جمهوری اسلامی و مندلی مردم است. اما میان این دو جاشی برای شستن نیست. اکنون در پی ۹ سال حکومت چهل و چنانچه فقها، میان مردم که انقلاب کردند و تنبگاران که انقلاب را از دست مردم بوندند و در مسلخ آوین، در پیش پای سرما به داران و مالکان قربانی کردند، تنها شلی از خون جاری است و با زرگان که می گویند پیش مردم به جان آمده و رژیم سراپا سنگ جمهوری اسلامی بین بزند، به عبث آب درها و می گویند.

۱- اوین برای مردم میهن ما نای آشناست . زمانی "اوین" در کنار "درکه" ، روستای زبیر در دامنه جنوبی البرز بود و تهرانی های خسته زکار هفتگی، جمعه را در باغهای زبیری از سر می کردند تا شبیه را با نشاط و سرزندگی شروع کنند . کارشان آن "سیا" و "ساواک" برای ایجاد "فرا موخا" نه "بر" تبه های اوین انگشت نهادند و آن بس "اوین" به ماباره روستای زبیر در دهان خوشدوبی جی آن شکنجه می نمود نقش بست . شاه وین را بنا کرد تا شاید با سادراتی و تختش باشد . به زودی "اوین" بر نشو و نما فرما ن گسترش داد ، مردم ما ، ما نشاندند . سیل انقلاب سرا زبردند و در میهن قیام ، توده های به خواسته ، اوین را فتح کردند . در های فراموشانه را گشودند ، به امید آنکه دیگر روز های شوم حکومت اوین تکرار نگردد . ملاحظا او ، ماسر وادی دیگری بودند . برای درهم شکستن انقلاب "اوین" و اوین های دیگری لازم بود ، وسارترین انقلاب درین کار تریدید نکردند . نه در شهر های بزرگ ، که در هر شهر کوچکی شکنجه گاهی بنا کردند . هر آنچه که شاه ها تمام گذاشته بود ، تمام کردند و سوار شدند ، اوین را و صدها شکنجه گاه کوچک و بزرگ دیگر را ، اما توسعه اوین از نظر گاه پیشانی ما اندو کمتر کسی بی برده که اوین در سایه خلافت افین ، بی کمترین اغراق دیده بر آورده است . گسترش اوین از زمان حکومت سرلاد لاجوردی شروع شد . بندها همه پر بودند . در اتا قهای ۱۳ نفره گاه تا ۹ نفر ! نیروی کار و رزوا ن و مصالح اما ده بود ، از میهنس و طراح تا محما راوگرگاب انداز گاه فی در میهنس انباشته بود . لاجوردی به آتشین تیا کبان برده داری ، اسرا را به بیگاری گرفت . به زور سلاقی آنکاره برای نابودی اوین رزمیده بود و دانست تا در اوین ، ده ها وین دیگر بسا زدو بسا که در با میان کار ، او را که "تواب" نامیده بود ، نا جوان نمردا نه به دار آویخت . حامل کار این قربانیان ، اوین جدید خیمه شد : شش بندبزرگ با گنجایش بیش از شش هزار نفر ، که در وقت تنگ تا چند سرباز بر طرفیست اسیر در خود های می دهد و ۵۰۰ سلول انفرادی و دهها ساختمان کوچک و بزرگ دیگر برای شغلب و هشت گانه با زبیری ، با دیاری ، دفتر مرکزی ، داگه ، اجرای احکام ، بخش فرهنگی ، ... و حالا اوین آنقدر بزرگ شده که بدون ما شکی رفت و آمد مسدود آن دشوار است . حال امینیی بوسیا در خیابانهای اوین دائمی در رفت و آمدند ، تا اسیران را از زندانبسته با زبونی ، با زبیری ، با داگه ، دفتر زندان ، با دیاری ، انگشت نگاری ، سالن ملاقات ، بیما رستان و غیره برسانند .

اوین

صدا بول بجا مانده ز شاه مدفون ، کماکان به با زجوها تعلق دارد . و در اتا قهای اسیرانی را که هنوز در مراحل نخست شکنجه با زبونی اند جای می دهند .

وگاها سالها طول می کشد ، از اعزام زندانی بیما ربه بزرگ زندان ، جلوس کبری می کنند و رجا نواده ها نیز در اوین می پذیرند .

چهار بند عمومی زمان شاه اکنون به زندان و ما در آن تعلق دارد ، ما در آنی که کودک خسودار در اوین به دنیا آورده اند و کودگانی که قبیل از تولد زندانی شدند و از لحظه تولد زندان کشیدن را تجربه می کنند ، هگی در این بندها محبوبند .

لوسا با یک وصلات در اوین "لونا پارک" یا "شهری زبیران" واقع در تقاطع "پارک وی" و خیابان منتتی به "اوین" و "درکه" دارای پارکینی است که در قسمت جنوبی آن قرار دارد . در شاه غریبی محوطه ای با پارکینی ساختمانایی است که هم اکنون تمام ملاقاتی های شکنجه گاه های اوین و کمیته مشترک از طریق آن انجام می گیرد ، تعدادی از تظیف های این مرکز مستقیما به تلفن مرکزی (با سترا ل) وین مربوط است و رفت و آمدهای مداوم بین این مرکز و اوین ، کمیته مشترک و گروه های جریان دارد . امروزه "لونا پارک" به جایی تبدیل شده که هر خانو ده ای برای تری درسی با فتن عزیز گذشته خورده آجا مرا حقه می کشند و مزدوران رژیم در صورتیکه توفه و نقدا اسارت مخفیانه فرود دستورکار رسا ننودیا مدت آن به سر آمده باشد ، دستگیری و اسارت فردا تا شاید می کشند .

بند های ۲ و ۵ به انقلابیونی تعلق دارد که بر مواضع خویش علنا ایستاده اند ، آنها به جریانات گوناگون سیاسی تعلق دارند . و ایستادگی بر سر عقاید خود فاضل شکستنا است .

بندها ۲ و ۵ به انقلابیونی تعلق دارد که بر مواضع خویش علنا ایستاده اند ، آنها به جریانات گوناگون سیاسی تعلق دارند . و ایستادگی بر سر عقاید خود فاضل شکستنا است .

بند های ۲ و ۴ از اسیران و قربانیانی میسر شده که رژیم آنها را "تواب" و "جی تی" می نامد . اسیران این دو بند عمدتا برای رهایی از جنگال و زخمیان ، خود را مخالفان تهندهای سابق خویش و نامو دی کنند ، امروز دیگر از "تواب" بنده مفومی که در سالهای ۶۲-۶۰ وجود داشت ، کمتر نشانی ما نه ، رسوائی جیبا تکبیر رژیم خمینی ، گسترش مقابله در مقابل خلفا و یا زتاب مواج عظیم ناراضی توده ها در زندانها ، از یک سو و تغییر در ترکیب زندانیان بسودا انقلابیون پیگیر پیشه از سوی دیگر سبب شده تا بندهای "تواب" رنگ بیازد .

بندها ۲ و ۴ از اسیران و قربانیانی میسر شده که رژیم آنها را "تواب" و "جی تی" می نامد . اسیران این دو بند عمدتا برای رهایی از جنگال و زخمیان ، خود را مخالفان تهندهای سابق خویش و نامو دی کنند ، امروز دیگر از "تواب" بنده مفومی که در سالهای ۶۲-۶۰ وجود داشت ، کمتر نشانی ما نه ، رسوائی جیبا تکبیر رژیم خمینی ، گسترش مقابله در مقابل خلفا و یا زتاب مواج عظیم ناراضی توده ها در زندانها ، از یک سو و تغییر در ترکیب زندانیان بسودا انقلابیون پیگیر پیشه از سوی دیگر سبب شده تا بندهای "تواب" رنگ بیازد .

غذا و بهداشت در اوین آخوندهای سیر خورده و قره بنده ، حداقل قوت لایموت را از اسیران در بیخ می ندهند و در صورتیکه دنبال شکنجه های طولانی وسوا تغذیه و خستناک در معرض ابتلا به انواع بیما ریها قسم را دارد . از خانو ده ها به جز دو قطعی شیر خشک ما هان ، هیچ گونه مواد غذائی نمی پذیرند ، تهندها مواد غذائی به هزینه شخصی از بیما صلاح فرورگانه اند ، نه بیما رسدوار و در بیما ری موارد عملا غیر ممکن است . برنا صه غذائی اما رنگها عموما صا به بویه صورت زیر است :

غذا و بهداشت در اوین آخوندهای سیر خورده و قره بنده ، حداقل قوت لایموت را از اسیران در بیخ می ندهند و در صورتیکه دنبال شکنجه های طولانی وسوا تغذیه و خستناک در معرض ابتلا به انواع بیما ریها قسم را دارد . از خانو ده ها به جز دو قطعی شیر خشک ما هان ، هیچ گونه مواد غذائی نمی پذیرند ، تهندها مواد غذائی به هزینه شخصی از بیما صلاح فرورگانه اند ، نه بیما رسدوار و در بیما ری موارد عملا غیر ممکن است . برنا صه غذائی اما رنگها عموما صا به بویه صورت زیر است :

۱- دو وعده عدس پلو یا لپه پلو ، وگاها از غلاتی می توان فهمید که گویا گوشت هدر غذا وجود دارد .

فرزندانی زبیرینج سال انقلابیون اسیر می توانند پس از طی مراحل تنبیه دقیق در آغوش پدران و ما در آن خویش قرار گیرند . پدران ما در آن آبین ۵ دقیقه با کودگان خود می کنند ؟ و کودک هنگامی که از آغوش والدین کنده می شود ، در باره دستی که او را می کشد چه می نندیشد ؟ می گمان او ، در خانو ده ها آنگاه که از کنار روپترین مقاهله می گذرد ، عروسک را نخواهد دید و ما در بزرگ در چشمان میبهوتا می توانند بخوانند که "ای کاش مسلسل پشت شیشه ما ل نم بود"

زندانی سیاسی ، آزاد باید گردد!

بحث علنی برای دستیابی به حقیقت

بدنبال انتشار مقاله "برای دستیابی مشترک به حقیقت" در کارنامه ۲۹، "تا مه مردم" ارکان کمیته مرکزی حزب بوده، بر آن، نقدی پیرامون آن منتشر شده است. رفقا در مقدمه مقاله نوشتند: "ما معتقدیم هر دو طرف برادرانه میان حزب و سازمان چنان شرایطی را بوجود آورده که بتوانند مسائل مورد بحث را نه در محفل آرگانهای مطبوعاتی، بلکه پشت میز مذاکره مورد بررسی قرار دهند و به نتیجه مطلوب برسند. بیمنیبت ما تا سقف خود را زنگنه نداده و مسائل مورد اختلاف به محضات روزنامه ارکان از قضا پنهان نمی داریم."

ما بر این باوریم که "مباحثه علنی" فی نفسه نمی تواند موجبی برای "ابرازاتفاق" باشد، از نظر ما هدف گفتگو نیست میز مذاکره بخودی خود تحکیم کننده روابط برادرانه است و به ما حاشیه علنی تخریب کننده آن. می توان دشمن بود و برای حل این یا آن مسئله مورد اختلاف پشت میز مذاکره نشست و می توان دوست بود و علاوه بر مذاکره برای حل و فصل مسائل فی ما بین از مباحثه علنی خلاق و رفیقانه نیز بهره گرفت. آنچه در این بین اهمیت درجه اول دارد، نه شکل بحث که هدف و محتوای آن و مستگیری طرفین در جریان مباحثه است. از نظر ما علنیست تنها اطلاع نیست، و بیشتر از آن است. علنیست شیوه تامل نظر آشکار و علنی است وجتاهنگلینتی خواست راه را برای "تبادل نظر" فراهم می کند و منظم با توده گسترده خوانندگان (۱) می گشاید. (۲)

ما مباحثه علنی را برای مشارکت طیف هر چه وسیع تری از نیروها در کوشش به منظور دستیابی به حقیقت برگزیده ایم. وظایف می کنیم تا مباحثه علنی به وهما شکل موثر و مفید مباحثه را - به مثابه ابزاری در خدمت دست "دستیابی مشترک به حقیقت" و به عنوان وسیله ای در خدمت زود انحرافات و تحکیم روابط برادرانه میان حزب و سازمان برپا به اصول مارکسیسم-لنینیسم و انحرافات لیسم پرولتری به خدمت بگیریم. خوشبختانه رفقا از این نظر ابراهیم به مقاله "کار" وارد شده اند.

علاوه بر این، همانگونه که "کار" و "تا مه مردم" تاکید کرده اند، اسناد ملامت وسیع سازمان و "کنفرانس ملی حزب" منتشر شده اند. در این رابطه کار ما طبیعی است که حزب و سازمان از سوی اعضا و هواداران - و طیفی به مراتب گسترده تر از آن - در رابطه با ارزیابی های متفاوتی که ارائه داده اند مورد سؤال قرار گیرند. روشن است که اسناد سخگوشی به اینگونه مسائلات تنها از طریق اظهار نظر علنی پیرامون اسناد منتشره میسر است. در میان زره علیه رژیم خد خلقی، و پیکار در راه بسیج طبقه کارگر و زحمتکشان (مهم است که حزب و سازمان و همه نیروهای حزب و انقلابی در جذب درسها و تجارب گرانمای انقلاب بهمن که باید در توده تدارک انقلاب آتی قرار گیرد، بطور موثر تلاش ورزند و به توده ها در جذب درسها و تجارب انقلاب بهمن یاری رسانند و مباحثه علنی اقدامی است در این جهت و لذا نه هر زمان "بخشی از مکاتبات و نیرو" بلکه کوشش مسئولانه ای است در راستای شجیرت توده در مبارزه علیه رژیم خد خلقی ج.ا.

لنین با رها کردن تاکید کرده است که "هیچ جنبشی و از جمله جنبش طبقه کارگر نمی تواند بدون مباحثات، مناظرات و برخورد نظرات بوجه تاج خود ادامه دهد." (۳) تجربه جنبش جهانی کمونیستی و بویژه حزب کمونیست اتحاد شوروی که امروزه پیش از هر زمان به ضرورت "علنیست" پای می نشاند، نیز مویله لازم و فایده مندی مباحثه علنی است.

حزب و سازمان که وحدت پیروان سوسیالیسم علمی در حزب و احاطه طبقه کارگر را در مرکز توجه خود قرار داده اند، باید به مباحثه علنی در این جنبش در این رابطه که حزب و احاطه طبقه کارگر می شود و مبارزه در راه آنها خن را چگونه انجام می گیرد، پاسخ گویند و مباحثه علنی از جمله می تواند در خدمت این امر قرار گیرد.

علاوه بر همه اینها مباحثه علنی مباحثه علنی را بکار گرفتیم که با انتشار اسناد مصوبه پیلنوم وسیع سازمان و کنفرانس ملی حزب، اختلاف نظرهای در زمینه نقدی گذشته علنیست یافته بود و تا مه مردم بدنبال انتشار اسناد کنفرانس ملی، با طرح این مسئله "حزب ما... با ارزیابی انتقادی تجربه هفت سال گذشته به طرز زبندی تازه ای دست یافته است" (۴) که بر بررسی خط منشی و برنا مه حزب در سالهای گذشته را با خود ما محتوم اعلام نمود. لذا اظهار تاملی نمی تواند و بنا به نتیجه مباحثه علنی کرده که می توان در خدمت از بین بردن اختلاف نظر و تأمین وحدتی اصولی، رزمند و رفیقانه قرار بگیرد.

و سخن آخر در این باب آنکه "تا مه مردم" وجود اختلاف نظر در جمع بست براتیک گذشته را به دلیل که "سیاست حزب و سازمان حداقل در قاطب طلسه زمانی سالهای ۵۷-۶۰ همسان و همگون نبود" "کاملاً منطقی" می دانند.

در این مورد باید گفت: اولاً، در این باره که مخط منی در قاطب سالهای ۵۷-۶۰ درست بود، مبین تحلیل های پیلنوم وسیع سازمان و کنفرانس ملی حزب اختلاف نظری وجود دارد. ثانیاً، به خوبی است که ما همه همسانا اختلاف نظر در ارزیابی سازمان و حزب از برنا مه مخط منی است که در سالهای ۶۰-۶۶ به طور کارگامال از سوی سازمان ما نیز بکار گرفته شده است. ثالثاً، به ما ورمسوا تسلانجاما نیستی که به مقوله اتحاد عمل بین سازمانهای انقلابی مربوط می شود، وجود اختلاف نظر پیرامون این یا آن مسئله، می تواند کاملاً منطقی باشد و بنا به مباحثه علنی در راه همگاری در عرصه های که اشتراک توجه وجود دارد فرا هم سازد. اما آنچه ای که سخن از "وحدت در حزب واحد" در میان ما است، اختلاف نظر جدی در مورد موضوعی به اهمیت براتیک گذشته را نمی توان "منطقی" دانست. شاید به همین خاطر است که رفقا چند سطر بعد، با طرح این مسئله که "اکثر روندی وجودی ما است که... بی شک می توانستیم به فرمولسندیایی مشترکی دست یابیم"، حکم پیشین را نقض می کنند.

رفقا پس از مقدمه و طرح چند سؤال مشخص و برادرانه خن به یک روش ما شسل کالمنسبه متنوع، بر این نتیجه گیری حزب تاکید می کنند که "استراتژی حزب با ملاحظیه بود... و اشتباه ما در تامل برخی تاکتیکی بوده است" و "حقیقت این است که کارگران و زحمتکشان هر روز بیشتر از روز پیش به محبت برنا مه و خط منشی ما می می بردند و در نتیجه نفوذ حزب و بیهوشی بود."

حزب ما با متوجه دور ساختن لیبرالها و "جناح راست پیروان خمینی" (و نه "خمینی پیروان اصل") و که متعلقه قلمداد می شدند (از حکومت بود؟ امروز پس از گذشت بیش از ۸ سال و آرموده شدن همه چیز چگونگی می توان این استراتژی را صحیح ارزیابی کرد؟

اینگونه تقریباً ۵۴ درصد استراتژی گذشته، پیلنوم شانزدهم و پیلنوم هفدهم چه نقشی داشته، برنا مه مشکوفا می چه بوده، نقش رهبری وقت چگونه بوده... هیچکدام نمی توانستند استراتژی شکوفا می جمهوری اسلامی را مدخل کنند. حقیقت همواره مشخص است و مبارزات نیز پراستیک و انبوه براتیک حزب (و نیز سازمان در مقطع ۶۰-۶۱) بیانگر آن است که سمت اصلی بیگانه حزب متوجه سوق دادن حکومت خمینی به سمت مواضع ترقی خواهانه بوده است. امری که بنا به ما به هیئت رژیم خمینی هرگز نمی توانست تحقق یابد و سایر وقایع نیز همین را اثبات کردند. نمی توان بدون نادیده گرفتن این پراتیک انبوه، صحت استراتژی را اثبات نمود.

ما گفتیم "سیاست درست در این راستا همچنان مبارزه در راه بسیج شده های خلق تحت رهبری خود مابرا زره در راه آنها ضد نیروهای چپ و دمکراتیک و گسترش آن به خلق دهمه نیروهای خلقی و تأمین هژمونی طبقه کارگر در آن و انتقال قدرت به این آلترنا تیبود." و رفقا می نویسند: "این اصل صحیح، اما کلی است. بحث بر سر آن است که آیا این اصل را چگونه می توانستیم درجوی که توسط شما زحرف به عمل در آوریم؟" بله رفقا، این اصل صحیح، البته کلی است. چرا که بیگانه جوهریک استراتژی است که سمت اصلی پیکار را نشان می دهد و لذا باید همگی با شد و اتفاقاً بحث بر سر همین استراتژی کلی است: ابتدا پذیرش "مبارزه در راه انتقال قدرت به این آلترنا تیبوسپس بحث پیرامون چگونگی تحقق آن.

پراتیک حزب و نیز سازمان (در سالهای ۶۰-۶۱)، بر نشان نمی دهد که مبارزه در راه انتقال قدرت به این نیروهای چپ و دمکراتیک و تأمین سرکردگی طبقه کارگر در این اتحاد تعقیب شده است. خمینی و هیچ یک از جناحهای پیروان نمی توانستند در اتحاد نیروهای چپ و دمکراتیک کشور بکنجند. آنها لزوماً ما چ مبارزه نیروهای چپ و دمکراتیک قرار می گرفتند. همانگونه که امروز قرار گرفته اند.

رفقا در بحث پیرامون چگونگی تحقق استراتژی فوق، می نویسند: "به نظر ما نخستین کار برای رسیدن به این هدف، نشان دادن چهره تاپایان انقلابی و بیگانه حزب طبقه کارگر از طریق بردن برنا مه های مستقل خود به میان زحمتکشان بود." این حکمی است که ملاحظه می شود، اما سؤال این است که منظر از "برنا مه های مستقل چیست؟ اگر منظر مسائل اجتماعی-اقتصادی مطرحه در برنا مه حزب است - که ظاهراً از نوشته رفقا این معنی میسر می شود... در آن صورت کدامین رابطه با ما بین این برنا مه های اجتماعی - اقتصادی و امر قدرت سیاسی برقرار کرده اند؟ استقلال برنا مه در صحت امر یا خدوش نگردد؟ لنین به این مسئله به روشنی پاسخ گفته است، از جمله پس از استقرار حکومت کرسکی، لنین ضمن تاکید بر ضرورت تحقق اطلاعاتی نظیر "روزگار ما عتسه، زمین برای دهقانان، نه برای کرسکان و صلح، قدرت سیاسی ضروریست انجام آنها را به دقت مشخص نمود و نوشت:

"حکومت "حدید" کرسکی، او کسب و کارها، تنها برده های است برای کار کادتها، فدا انقلاب و گروهی ای نظامیان که کاملاً رتاجا حب کرده اند، بدون تابودی کامل فدا انقلاب، خلق به صلح دست نخواهد یافت، دهقانان زمین نخواهند گرفت، کارگران را روزگار ما عتسه نخواهد رسید، کرسکانان بدست نخواهند آورد. بگذار این گفته شود، هرگامی در تکامل حوادث صحت آن را تأیید خواهد کرد." (۵)

مسئله قدرت سیاسی مسئله اساسی تمام انقلابهاست. تاریخ انقلاب جهانی این حقیقت را بارها و بارها اثبات نموده است. اقتصاد را عمیقاً روشن کرد. تمام سالهای گذشته در تظاهرات ۱۹۱۷ بدان پرداخت دربار کسب قدرت بوسیله پرولتاریای انقلابی و حزب آن و در باره آن نمودن و هماهنگ نمودن توده های عظیم دهقانان و پرولتاریای مردم سا پرولتاریا و حزب بیگانه بود تا بدین طریق پیروزی و پیشروی انقلاب متحقق گردد.

ما در پیلنوم وسیع گفتیم که "کمیته مرکزی سازمان... بدون برخورد انتقادی لازم برنا مه پیشی حزب توده ایران به منطبق کردن برنا مه پیشی سازمان با آن پرداخت و سپس این جمع بندی را ارائه دادیم که: "خط منشی و سیاست سازمان طی دوره فوق (در سالهای ۶۰ و ۶۱) تصمصم برنا مه مصوب خرداد ۶۱ بود، این برنا مه تجاراً فبدرست از مواضع مستقل طبقه کارگر بوده است. روشن است که این نتیجه قبل از همه از بررسی نوع رابطه قدرت سیاسی و مسائل اجتماعی - اقتصادی مطرحه در برنا مه مصوب خرداد ۶۱، با تکیه بر اندیشه های با بهای لنین بدست آمده و پیلنوم وسیع در موازات متعدد، از جمله در موازات در زیر این نکته را مورد تاکید قرار داده است:

"ما به جناح اصلاح طلب هیات ها که گرا نیز نه املاحتی که مطرح می کرد، بلکه رژیمی که مستقر کرده بود نشان می داد." و "در دوره ای که تصویب قانون اساسی به غایت ارتجاعی جمهوری اسلامی تا آغاز پرورش پرولتاریا و خویشین رژیم برای تابودی کامل آزادیهای سیاسی در ایران است، ۶۰ بطول انجام میسد، سیاست ما می بایست همچنان عدم پشتیبانی از حکومت، مبارزه علیه آن و نبرد برای ایجاد آلترنا تیبوا انقلابی به منظور انتقال قدرت سیاسی به این آلترنا تیبو بود... باید توده ها را با تکیه به خواستهای مشخص آنها و از طریق افشا همه جانبه مواضع و سیاستها و اقدامات فدردمی رژیم برای اعمال فشار از این و مقابله فزاینده با کل رژیم بسیج می نمودیم. هر یک از تاکتیکیهای ما می بایست چنان اتخاذ می شد که در تضعیف قدرت و نفوذ رتاجا نیت ها کم و بیش خمینی... مؤثر واقع می شد. سازمان می بایست شعرا ترمین آزادی سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم را که کل رژیم در برمی گرفت به شعرا ترمین تبدیل می کرد... و تمیایست دفاع و پیگیری از خواستهای مردم جهت انجام اصلاحات اقتصادی - اجتماعی می کشیدیم برچم خود ما را پیشا پیش آنها برافرازیم. باید یکدم در منته بسودن اطلاعات، تا بیگری رژیم، بی سراجا می اقدامات آن و هدفهای ارتجاعی حکومت خمینی در طرح این اصلاحات را افشا می کردیم."

تمام تاکتیکها ت فوق این نکته را مدلل می سازند که راه برنا مه های اجتماعی - اقتصادی (هر انداز هم علماً تنظیم شده باشد) و تبلیغ و ترویج آن در میان مردم، ما دام که به مسئله قدرت سیاسی پاسخ صحیحی داده نشده باشد نمی توان از آنجا از مواضع مستقل طبقه کارگر جلوگیری نماید، چنانکه می نمود. لذا تکیه بر "برنا مه های مستقل" اجتماعی - اقتصادی به منظور دفع از استراتژی حزب به نفع ربه نا دیده گرفتن رابطه دیالکتیکی بین قدرت و برنا مه اجتماعی - اقتصادی می منجر خواهد شد.

رفقا ضمن تشریح راه طی شده سؤال می کنند که "کارگران را نه در دست بود، با یدره صحیح و عملی را نشان داد." پیلنوم وسیع علاوه بر مطالب پیش گفته، از جمله در عبارات زیر این راه را نشان داد است: "در این دوره سازمان،

اکتبر کبیر هفتاد ساله شد و جشن هفتاد سالگی در فضا شایسته و متفاوت، در سراسر جهان برگزار گردید. در اتحاد شوروی، زادگاه اکتبر، شما پندگان ۱۸۷ حزب، سازمان و جنبش از حدود ۱۱۵ کشور در مسکو گرد آمدند تا هفتاد سالگی اکتبر را گرامی دارند. مسائل دشوار جهان پیچیده امروز را به مشورت بگذارند و برای حل آنها راه جوشی کنند. میهنان ما مسکو، باورها و اندیشه‌های گوناگون و تعلقات پرتنوعی داشتند، اما احساس مسئولیت در قبال سرنوشت تمدن بشری و استمرک حفظ صلح جهانی، به آنان زبان مشترک بخشید.

برگزاری این نشست مهم، با شکوه و بی‌سابقه در پرتو "تفکر نوین سیاسی" حزب میزبان، حزب کبیر لنین و پاسدار ارضای دستاوردهای دوران سازاکتبر میسر گردید.

از سوی سازمان ما، هیئتی درگردهم آئی مسکو و گرامی داشت اکتبر شرکت کرد. هیئت نمایندگان سازمان کوشید تا صدای حق طلبانه مردم میهن بلاکشیده ما را به گوش جهان بیاورد تا برساند و توجه بشریت را به فاجعه جنگ و تسلط استبداد

قرون وسطای در ایران حطب نمایی. درگردهمایی بزرگداشت هفتادمین سال اکتبر، رفیق "میخائیل سرکیوچ" گاربا چوف" در گزارشی سه ساعتی، مسائل فاضل دنیا را امروز از نگاه اساسی کمونیست اتحاد شوروی مطرح ساخت. تحلیلی عمیق و مهم از روندهای اساسی جهان معاصر را نهاد دویشریت را به تشریح مسا با زهم بیشتر برای حفظ صلح جهانی و مبارزه با جنگ طلب فرخواند. در این گزارش سیمای امروز اتحاد شوروی و راه آینده آن و نیز تاریخ حزب، دولت و خلق شوروی از اکتبر بدین سو، مورد تحلیل قرار گرفت.

رفیق گاربا چوف در همان پیش نما پندگان از احزاب کمونیست و کارگری انقلابی و ترقی خواهان جهان نیز سخنرانی کوتاه و مهمی ایراد نمود. در زیر متن کامل این سخنرانی، نشردهای از گزارشی سه ساعتی، گزارشی از همان پیش نما پندگان احزاب و سخنرانی رفیق فرخ نگهدار در این همایش، و نیز سخنرانی رفیق در بزرگداشت هفتاد سالگی اکتبر از نظر شما می گذرد.

ابتکار نوین برای هم اندیشی در راه صلح و عدالت در جهان

به ابتکار رود عوت حزب کمونیست اتحاد شوروی نمایندگان ۱۸۷ حزب و سازمان و جنبش از حدود ۱۱۵ کشور جهان، که برای بزرگداشت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در مسکو گرد آمدند و به دور میز گرد آمدند و در باره مسائل میرم دنیا و کشور خویش به گفت و شنود نشستند. این دیدار از این نظر که ملا بیجا بقیه بود که در آن علاوه بر نمایندگان احزاب کمونیستی از همه کشورها - بجز چین و آلبانی - نمایندگان عمده تهریرین جنبش های رها بی بخش ملی، جریانی های دموکراتیک و انقلابی، احزاب سوسیالیست، سوسیال دموکرات و در آن شرکت داشتند. طیف خیرهای شرکت کننده بسیار وسیع و موفقیت درگرد آمدن این طیف وسیع کلا چشمگیر بود.

وجه اشتراک نیروهای شرکت کننده در این اجلاس، قبل از همه در جانداری آنان از آزادی صلح و خلق صلح بود. بزرگداشت هفتاد سالگی، کا هیئت تشنج بین المللی و نیز تعلق با نزدیکی نسبی آنان با خواست و تمنا بیست افشار و طبقات و ملل ستمکش نهفته است. وجه تما یز برجسته نیروهای شرکت کننده در این دیدار، مخالفت و مقابله آنان با احزاب دست راستی و ارتجاعی بورژوازی بزرگ انحصاری و محافظه کار لیبرالیستی و ارتجاعی، با احزاب لیبرالیستی و تا چرها و کچل ها و نیز محافظه کار لیبرالیستی و ارتجاعی می توانستند. طیف خیرهای شرکت کنندگان بسیار وسیع و موفقیت درگرد آمدن این طیف وسیع کلا چشمگیر بود.

اهمیت عظیم این دیدار در وهله اول در مشارکت طیف وسیع نیروها در آن بود. این اجتماع از یک سو با زمان با وحدت منافع بوده های وسیع خلق های جهان در جهت مسالما سازی دوران با یعنی مسالما بین صلح جهانی است و از سوی دیگر با تکرار این است که مرستک بسیج وسیع ترین نیروها علیه رتیرین خصم مشترک همه خلق ها یعنی نمایندگان محافظه کار لیبرالیستی قدرت های امپریالیستی، به گونه ای موفقیت آمیز پیش می رود.

برخورد کلا ملا دموکراتیک و تفکر سیاسی نوین که از سوی رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی دنبال می شود، با هکشی ای گرد آمدن طیف نیروهای این چنین وسیع در سربک میز و حول اندیشه های مشترک شد. هیچ کن برای هیات های نمایندگان شرکت کننده دستور سخنرانی تعیین نگردیده بود و هیچ قطع نامسه و اعلامیه یا بی نمی که کسی ملزم به اعلام موضع نسبت به آن باشد در نظر گرفته نشده بود.

در راستای سیاستی که یک نیروی سیاسی در عمل بکار می گیرد بسیار مهم تر از قطع نامهای است که آن را امضا می کند، زیرا آنان که در عمده ترین مسالما زمان با یعنی در مسالما لجن و صلح، دست کم همسگام میسر می آید، قطع نامهای که زندگی برای دفاع از حق موجودیت خود در برابر آنان قرار داده است را در عمل امضا کرده اند.

در کلامت سخنرانی که در جلسه به بحث پرداختند، همه و همه به طور آشکار از صلح سلسله ای و بیطرفی مشخص از برچیدن موثک های میان بردو کوتاه به برد در اروپا، از طرح صلح سلسله ای تا سال ۲۰۰۰ و از آزاد مسالما زره پیگیر در راه صلح جا بنیداری شد. جلسه نشان داد که نیروی صلح در قیاسی جهانی واقعا اکثریت عظیم و نیرومندی است که در برابر برگره بندی انحصاری میلیتاریستی مفر کشیده است. بویژه این دیدار را در پیگری نشان داد که نیروی صلح نیرومندی است که کمونیست ها عملداران نقش بسیار تعیین کننده بر عهده دارند. زمینیه برای تقویت این نقش با زهم وسیع وجود دارد.

در پیش از ۶۰ سخنرانی ایراد شده در جلسه از ابتکار صلح عا نه حزب میزبان در گزارشی این نشست و اهمیت آن در دسترس بسیج وسیع ترین نیروهای صلح و ترقی، تحلیل شد. عمده ترین احزاب کمونیست تصریح کردند که گرچه کمترین هم ضرورت و هم امکان موجودیت خود را مدت ها است که از دست داده است، اما با ضرورت بسیج هر چه وسیع تر نیروها در بریکار علیه خطر جنگ و در راه صلح آماج های مشترک عموم بشری را در سطح ملی و بین المللی مورد تاکید قرار داد. در سالیان غلبه فاشیسم جبهه و ادو سیع عملا درست ترین کار بود. امروز نیز زمان و تجربه کمونیست ها می آموزد که در عرصه ملی و جبهه عرصه بین المللی، بسیج به میزان وسیع همه نیروها در راه عمده ترین آماج های مشترک نه تنها مفید بلکه مطلقا ضروری است. منفرد کردن محافظه کار لیبرالیستی میلیتاریستی و جلب حدا کثر نیرو به سوی اتحاد با کمونیست ها حول امر صلح و سایر آماج های بشری یگانگی میسر میسر برای نجات بشریت و گسترش رونق انقلاب جهانی است.

تفاوت اساسی این دیدار با دیدارهای جلسات ۵۷ و ۶۰ و ۶۹ در آن است که آن جلسات فقط احزاب مارکسیست - لنینیست طبقه کارگر را در بر می گرفت و جنبه صرفا ایدئولوژیک - طبقاتی داشت و تلاش می کرد تا سالیان اساسی ارزیابی ها و وظایف احزاب کمونیست را همگون سازد، اما دست دجلت مشاوره خط می عمو می جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی را مشخص می کرد. اما اجتماع اخیرا ما سالیان اهمیت دموکراتیک و همگانی داشت و بر وجه اشتراک احزاب کمونیست و سایر نیروهای ترقی خواه تا کید داشت. این تحول در نحوه نگارش به مسائل و روابط بین المللی، که به تا زکی نفع می یابد، از یک سو سیاسی است به نیما زداشتن نیروی بیشتر برای مقابله با تعرض امپریالیسم و موج محافظه کاری جدید، و از سوی دیگر به راست است به ندیشه دکما تیک و محافظه کارانه که بویژه در دوره های اخیر به مایه یکی از موانع عمده صلح دانسته تا تشریح جنبش کمونیستی و کارگری و توانمندی آن در حل مسائل که زمان در مقابل وی قرار می دهد، عمل می کرد.

اکنون ۱۸ سال است که جزئیات های منطقه ای احزاب کمونیست و کارگری جهان هیچ اجلاس سراسری نداشته اند. پدید آمده که هم غریب و هم بسیار رتلسخ

می نماید. سؤال این بوده است که چرا در شرایطی که جریانی های غیر کمونیستی که نقاط اشتراک محدودتری هم داشته اند در گرد آمدن حول یک نیرو و طرح مسائل مشترک موفقیت داشته اند، کمونیست ها از تحقق ایده آل خود محروم از برداشتن گام های امیدبخش به سوی آن باز مانده اند. روند نوین و تفکر سیاسی نوین که در مری رهبری جامعه شوروی سوسیالیستی تکوین می یابد، اکنون ابتکار و مسئولیت حل این دشواری بزرگ قرار داده کمونیست های جهان را بردوش می گیرد. بخوبی آشکار است که در مسالما میان احزاب برادرتحلیلی مثبت و امیدبخش روبه گسترش است. روندهای منفی که در مسالما میان برخی احزاب بزرگ کشورهای سرمایه داری و احزاب حاکم کشورهای سوسیالیستی طی دهه گذشته و سال های نخست دهه حاضر گسترش می یابد، اکنون به وضوح صبغت مثبت بخود می گیرد. از سوی دیگر گرچه میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست چین هنوز روابطی برقرار نشده است اما چنانکه معلوم است اوضاع در مقابله با سالیان قبل کلا فرق کرده است. هیچ فاکت عینی، نومیدی یا بدبینی نسبت به راه ما گسترش رونق و مثبت در مسالما میان این دو حزب بزرگ را توجیه نمی کند. در باره اهمیت آماج های رونق نوین در آن بر اوضاع جهانی هیچ گونه مصیبتی ضرورت نیست. تصور میسر دو اقیانوس دنیا را معا فرود فریاد می زند که همبستگی و برادری کمونیست های چین و سایر کشورهای می توانستند تا وزن بکلی تا زما را میان قوای ترقی و ارتجاع، سوسیالیسم سرمایه داری در عرصه بین المللی، بویژه در منطقه آسیا و قیاسا نوین آماج مرقم بزند.

دنیا ی بفرنجی که به پایان هزاره دوم میلادی نزدیک می شود، بویژه بر اثر تحولات ناشی از کار برد انقلاب علمی - فنی در زندگی اجتماعی، همیقا درگون می شود. این دگرگونی از یک سو به دلیل پیدایش کلا مل با فتنه ترین از راه های کشتار جمعی، مسالما له بود و نبود بشریت و بیطرفی حیات روی کره زمین را به گونه هر چه جدی تر مطرح ساخته است و از سوی دیگر به دلیل تا شیران در ساختار اجتماع و نیز مسالما بین المللی و از جمله شکاف میان کشورهای پیشرفته و کشورهای جهان سوم و با لافره به دلیل تشدید خطر برخوردن فاجعه میز متعال اکولوژیک جهان و دیگر مسائل ناشی از تکامل اجتماعی، هم نیاز به تعیین تشریح تازه روندها و قانوم بندی ها و تحلیل چشم اندازهای آن را به نیما ز منبر جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی تبدیل کرده و هم همکاری طیف بسیار وسیعی از نیروهای اجتماعی برای حل و فصل آن را توجیه کرده و ضروری ساخته است. هما تگونه که در آغاز قرن بدون تعیین تشریح و تحلیل علمی روندهای تازه در تکامل سرمایه داری، انجام وظایف که دوران در مقابل نیروهای اجتماعی پیشرو قرار می داد ناممکن می نمود، امروز نیز شکاف مل جامعه بشری سئوالا لاتی را در مقابل نهضت بین المللی کمونیستی و کارگری قرار داده است که قبل از هر چیز نیاز به تعیین تشریح دارد. پاسخ با می این مسائل را هکشی حل صحیح و وظایف مل و بین المللی طبقه کارگر میسر است. در هر صورت در هر منطقه و در قیاسی جهانی است و چنانکه به درستی از جانب بسیاری از شرکت کنندگان در نشست نمایندگان احزاب سازمانها در مسکو مورد تاکید قرار گرفت، کوشش های مشترک بین المللی برای شناخت و تعیین تشریح تشریح روندهای نوین، به یک ضرورت جدی تبدیل شده است. امروز دیگر فقط وحدت منافع در مقابل خصم مشترک نیست که نیروهای صلح و ترقی را به متشتت پشت یک میز ترغیب می کند، امروز نیاز به تعیین تشریح گرا یشات تاریخی نوین کسدر جهان معاصر میسر می یابد و تحلیل دقیق پسا مدهای آن نیز نیروهای صلح و ترقی را به متشتت پشت یک میز و همفکری و راه جوشی تشریح می کند.

مسالما است که گروه کشورهای سوسیالیستی و گروه کشورهای سرمایه داری پیشرفته و نیز گروه بزرگ کشورهای رشد یافته هر یک مسالما خاص خود را دارند. اما نگاهی به گزین نشان می دهد که گسترش و استنکی متقابل هر یک از این سدهنیای جدا گانه به یکدیگر تا آنجا است که سرنوشت آنان را عملا به یکدیگر گره خورده است. بعد از مسالما ل جنگ و صلح جهانی امروزان فاجعه رشکاف میان کشورهای رشد یافته صنعتی و کشورهای "جهان سوم" به یکی از عمده ترین منابع گسترش بحران و اختلالات شدید اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و حتی اخلاقی در کشورهای سرمایه داری پیشرفته و در کشورهای "جهان سوم" تبدیل شده است. عامل اصلی انفجار این تکفاح، سودجویی طمع کارانده انحصارات امپریالیستی است. توده زحمتکش کشورهای "جهان سوم" از این بحران ها بیشترین صدمات را تحمل می کنند. کشورهای سوسیالیستی نیز همواره از ضرورت استقرار نظام نوین و معادلانه اقتصاد در مسالما بین المللی دفاع کرده اند. بویژه برای ما مردم ایران که لیاقت مسالما و عذاب امپریالیستی را با تن و گوشت خود لمس کرده ایم و همواره مبارزه فدا آمیز کمونیستی جزیی جدا می نا پذیر از مجموعه حیات مبارزاتی ما محسوب گردیده است، گرد هم آئی و اشتراک مسا عی همه نیروهای طرفدار برقراری نظام عادلانه در مسالما بین المللی بسیار امیدبخش است. یکی از عمده ترین مودتها کید در دیدار نمایندگان احزاب در مسکو - جستجوی راه های جهت گسترش همکاری ها و همفکری ها برای مهار رشد شکاف میان "جهان سوم" و بقیه دنیا میسر میسر. شکافی که به اعتقاد ما هرگز فاجعه ای محدود تر و قابل تحمل تر از فاجعه جنگ، جنگی که به ملل ستمدیده تحمیل شده است بسیار نخواهد آورد.

و اما برای هیئت نمایندگان سازمان ما علاوه بر مسائل که برای همه شرکت کنندگان در نشست ویا برای همه نمایندگان کشورهای رشد یافته مطرح بود، مسائل خاص میهنمان در مرکز توجه قرار داشت. ما در این دیدار بزرگ و در این فرصت مسالما عددا کثرتلاش را برای جلب توجه جهان به فاجعه کسدر میهنمان می گذرد، بکار گرفتیم. افشا ی مسئولیت رژیم جناح راستی در ادا جنگ با عراق و توطئه ردیالانه امپریالیسم آمریکا برای بهره برداری از سیاست رژیم به منظور لشکرکشی به منطقه و اشغال خلیج فارس و نیز افشای بقیه در صفحه ۱۲

سخنرانی رفیق فرخ نگهدار در بزرگداشت ۷۰مین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

رفقا و دوستان کرامی!

انتخاب و راه‌یابی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همه اعضای آن فرارسیدن هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را به رفیق میخائیل سرگیویچ کارباچف، به کمیته مرکزی، به حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی میمانا نه تبریک بگویم. این جشن جشن همزحمتهای دنیاست و از آنجا که این تریبون میمانا نه ترین تبریکات سازمان خود را به مناسبت فرارسیدن این سالگرد فرخنده به همه رزمندگان راه‌پلج و سوسیالیسم در همه کشورهای ایران و جهان میسر است.

دنیای ما در جانی به سوی با پاینده بیستم میلادی نزدیک می‌شود که تحولات بسیار عمیقی سیاسی زندگی بشر را در گونگی می‌آورد. مروری بر سیر عوامی تحول سیاسی و اجتماعی طی سده بیستم گویای این حقیقت است که از زیربوی اکثریت سوسیالیستی و تأثیرات آن در تحولات اجتماعی و فرهنگی در سده بیستم و فراتر از آن بوده است.

موفقیت عظیم و تاریخی خلق شوروی در تحقق اندیشه مارکس، انگلس و لنین، در زمینه ایجاد دیکتاتور بی‌کلی تا زه برای زندگی اجتماعی به نام سوسیالیسم و در نهایت تحقق و تکمیل و توانمندی عظیم سوسیالیسم در تحقق آزادهای دیرینه بشریت سرچشمه عمده نقی و نا نیروها و فرورز آفریننده سوسیالیسم در تاریخ معاصر بشری است.

نمودار استوار و استوار و رطاری از انبساطات میان آغاز سده بیستم و تحولات اجتماعی و فرهنگی انسان زحمتهای لگدال مطامع مصادی اقلیت سرما به دارت و رتست و زمین کردن شعار زهر کس به نام زده استعدادش و به هر کس به نام زده کارش، برابری ملل، ریشه‌کنی بیگاری، برخورداری از حق تحصیل و درمان را بیکان در تمام سطوح، تا مین حقوق داشتن مسکن تقریباً رایگان و غیرنقش تعیین کننده در راه ساختن دنیای آزاد نسیم، همه و همه دستاورد های عظیمی است که فقط انقلاب اکثریت را گشای تحقق آن گردید.

آری انقلاب اکثریت سوسیالیسم در ایران دیرینه بشریت برای دستیابی به جامعه متمدنی بر سر عدالت اجتماعی، برای شریک شدن در تمامیت اجتماعی، برای رهایی از ستم، این کربدترین و دردناک ترین جامعه متمدنی و ابدی کردن صلح و روی زمین بوده و هست.

بدین ترتیب علیرغم آنچه که سالهاست از طرف دشمنان سوسیالیسم تا عهد داده می‌شود، آرمان اکثریت و اماج سوسیالیسم فقط در خدمت یک بخش از جامعه یا یک بخش از جهان نبوده و نیست، آرمان اکثریت تغییر شیوه هستی اجتماعی به سود انسان زحمتهای است.

در جهان کوچکی که سیرتکامل آن سویه انقلاب علمی-فنی سرشت ساکنینش را هر روز بیشتربه یکدیگر می‌زند، نیاز به حفظ زندگی روی زمین و رها شدن از سیم نیستی که خطرناک جمع‌گرما - هسته‌های آرا به وجود آمدن می‌زند، نیاز یک بخش از زمین با گروهی از کشورهای آن نیست. صلح نیسیساز واقعی و بیگانه‌ها و ورزیمت‌های تمام بشریت است.

امروز این سوسیالیسم است که با روستولیت و ابتکار تاریخی برای تحقق این نیاز بزرگ همه بشر با اعتماد و اطمینان بسیار برعهده خود یافته است. این هرگز تنها دنی نبوده است که اولین پیام اکثریت به صلح، پیام بشری برای

همه بشریت بوده است. رویدادهای در حال گسترش نشان می‌دهند که ابتکار تاریخی اتحاد شوروی که بر مبنای تفکر سیاسی نوین گسترش می‌یابد، راه را به سوی قطع مسابقه تسلیحاتی، کاهش و رفع خطر جنگ هسته‌ای و به سوی دستیابی به جهانی عاری از سلاح هسته‌ای با قدرت و توان بیشتری می‌گشاید. تفکر سیاسی نوین دوراندیشانه و مسئولانه در جستجوی و خواستار روابط بین‌المللی و همکاری در مقابل بی‌ثباتی در راه رفیع نیا زهائی است که زمان در مقابل تمام بشریت قرار داده است.

بیگاری علیه عدالتی‌هاشی که در تاریخ سوسیالیسم تا اقتصاد بین‌المللی و در بخش عمده‌های از جهان ما تنیده شده است در جهت ناممکنات مساعده، غلبه بر اوضاعی که محرومیت و کورنگی را نصیب اکثریت مردم جهان ساخته و تسلط بر منابع و امکانات عمده را در دست گروه معدود کشورها و سرمایه‌داری همگرا قرار داده است یکی از اماج‌های بزرگ اکثریتی که از ارکان منسبی اتحاد شوروی است که تفکر سیاسی نوین امکانات مساعده‌تری برای آن فراهم می‌آورد.

بیشرفت در راستای این ابتکارات به سود منافع همه خلق‌ها و از جمله منافع مردم میهن ما است، خلق‌هاشی که از وضع موجود نگرا شدند و از رنجش می‌برند، به همین دلیل فدائیان خلق ایران مشی صلح‌جویانه و عدالت‌خواهانه اتحاد شوروی در عرصه بین‌المللی را مورد تأیید و پشتیبانی قرار می‌دهند، نوسازی به مناسبت به روند انقلابی و فراگیری کند نهاد و اکثریت است، و اگر ما ملی بیشره‌ای یعنی گسترش هر چه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی در تمامی عرصه‌های حیات جامعه بشری همانگونه که در سیم هفتادین گسترده حزب سوسیالیسم شرح گردیده است، پاسخی است نایسته به نیاز زمان و به آرمان اکثریت.

شجاعت و ابتکار و دوراندیشی رهبری جامعه شوروی که با درک نیاز زمان و برای حل مسائل کلیدی زندگی در برابر مردم شوروی قرار داده است، مسئولیت و رسالت رهبری روند انقلابی نوسازی را بر عهده خود گردانیده است، کاملاً قابل درک و عمیقاً شایسته است. در بیشتر درون‌نوسازی درجه بالایی اعتماد و اتکالی متقابل بین حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی که پیوسته گسترش هر چه وسیع‌تر اصول لنینی علمیت و دموکراسی تعیین می‌شود و تحکیم می‌یابد، بسیار آفریننده و شورانگیز است.

رفقا و دوستان عزیز! برای ما مردم ایران انقلاب اکثریت را فقط استقلال و تحکیم حق حاکمیت ملی را هموار کرده است، در طبیعت اکثریت گشای متبایزات دولت روسیه تزاری در ایران نوشود و در طول این ۷۰ سال نیز سوسیالیسم سوسیالیستی همواره پشتیبان مبارزه مردم ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع، برای استقلال، دموکراسی و عدالت و پیشرفت اجتماعی بوده است.

مردم ایران هرگز خابت اتحاد شوروی از انقلاب فوریه ۷۹ و هندار به موقع دولت شوروی به محافل امپریالیستی در زمینه عدم خلع در مورد اخلی ایران را فراموش نخواهند کرد. مردم ما همواره به خاطر خواهانند که چگونه اتحاد شوروی استوار می‌شود و هر چه اتحاد ایران و عراق را می‌چسباند بی‌مانعاً شایسته و آفریننده ما را به نام راه‌پلج خود محافل امپریالیستی دانسته و قطع بلادرنگ آن را خواستار شده است. اتحاد شوروی خود را رخصر و فروری نیروهای صلح آمریکا و متحدان از خلیج فارس و جایگزینی نیروهای سازمان ملل برای تضمین امنیت کشتیرانی است. این موضع گیری‌ها

با استقبال وسیع ترین گروه‌ها و محافل اجتماعی کشور ما مواجه گردیده است. اینها همه موضوع گریزناکی شایسته و اصولی است و با سیاست و اهداف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کاملاً انطباق دارد.

خلق ایران در بیکار و ربا طرا استقلال و دموکراسی و عدالت و پیشرفت، تاریخی در شان دارا ما علیرغم آن میهن ما امروز یکی از دشوارترین مراحل حیات خویش را پشت سرمی‌گذارد. سال‌هاست که ما همه‌جا نماساز جنگ ایران و عراق و نطقی مردم ما را نا بودمی‌کنند. این جنگ امنیت منطقه را بر هم زده و به منبع تهدید جدی برای صلح جهانی تبدیل شده است. مردم کشور ما آزادانه و عمیقاً متفردند. صلح مبرم‌ترین خواست مردم ما است.

لگدال شدن دموکراسی و نقی شدن ابتدائی ترین حقوق و موازین دموکراتیک در کشور ما طیف وسیع اقشار و طبقات اجتماعی ایران را در مقابل وضع موجود قرار داده است. کشتار و زندان میهن پرستان و صاحبان افکار و روشنفکر، سرکوب خلق کرد و دیگر اقلیت‌های ملی و مذهبی، ایستادگی و تحمیر زدن، بیگاری و ستم‌کاران و بیگانه‌ها، و هنرمندی و مترقی، زندگی مردم میهن ما را تیره‌ساز می‌کند. ستم‌ها و ظلم‌ها در سال‌های جاری بویژه به صورت اخراج و بیگاری و ستم وسیع کارگران و خانه‌خواری و فلاش دهقانان ایرانی هستی زحمتهای میهن ما را به نابودی می‌گشاید.

فدائیان خلق ایران علیه این اوضاع دردناک به نبرد برخاسته و تا مین صلح و آزادی را مقدم‌ترین وظیفه خود قرار داده‌اند. فدائیان به خاطر این بیگاری رزمنده‌ترین بیگاری‌ها قرار گرفته‌اند و فقط طی سال گذشته بیش از ۱۰۰۰ نفر از اعضای سازمان شناشی و به زندان افکنده شده‌اند. طی این مدت عده‌ای از رفقای ما ناپدید و عده‌ای در زندان بسته جوخا عدا سیر شده‌اند. این وضع مختص سازمان نیست، همه نیروهای دموکراتیک ایران تحت ستم بیگاری و سرکوب خویش قرار دارند. ما می‌گوئیم همگاری همه نیروهای دموکراتیک کشور وسیله‌ساز بازگشت صلح و استقراری دموکراسی در میهن ما گردد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می‌گوئیم نیروهای صلح دوست و آزادخواه ایران در مسک جبهه وسیع متحد شوند. ما به رهایی مردم میهن خود از روزهای تلخ و خونباری که در آن اسیرند عمیقاً ایمان داریم.

فدائیان خلق ایران به نام مردم خویش از این تریبون به همه نیروهای ترقی‌خواه جهان می‌پیام می‌دهند: دوستان عزیز! برای قطع جنگ مصیبت را میان ایران و عراق، برای نجات جهان هزاران زندانی سیاسی ایرانی، برای استقرار صلح و دموکراسی در میهن ما از خواست و میبارد خلق ایران پشتیبانی کنید.

رفقا و دوستان ارجمند! بنام همه فدائیان خلق ایران، ضمن قدردانی از حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی بار دیگر فرارسیدن هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را به همه‌کس می‌تقدیریم. آرمان‌های اکثریت در صلح، در راه عدالت، در راه تریب ترقی و پیشرفت اقتصادی-اجتماعی و به همه‌کس می‌تقدیریم که در راه تحقق آرمان‌های دیرین نوع بشر می‌رزمند، صمیمانه تبریک می‌گویم برای همه شما پیروزی و شادگامی آرزوی منم.

این سخنرانی در روزنامه "ترود" چاپ شده است.

سخنرانی رفیق فرخ نگهدار در چارچوب دیدار نمایندگان احزاب و جنبشها در مسکو

رفیق میخائیل سرگیویچ کارباچف!

رفقا و دوستان کرامی! سرکاری این دیدار که نمایندگان ۱۷۸ حزب و جنبش سیاسی از ۵ قاره کره زمین در آن گسرد آمده‌اند بسیار مونس مائلی که به بحث آراضرور می‌دانند، آزادانه به مبادله نظر بپردازند، به مدها بتکار شجاعانه و با اهمیت حزب کمونیست اتحاد شوروی امکان پذیر گردیده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از حزب کمونیست اتحاد شوروی و شخص رفیق میخائیل سرگیویچ کارباچف به خاطر این ابتکار قدر دانی می‌کنند. نکته‌جا لب توجه در این دیدار وظیفه وسیع شرکت کنندگان آن و وضوح عقاید است که استوار می‌شود. بنظمی رسد و اولین بار است که جنبش جمع وسیعی از نمایندگان احزاب و سازمانهای کشورهای مختلف جهان به بحث یک میز گرد آمده‌اند. این جمع را یک امر مشترک متحد می‌کند، امسیر

دفاع از صلح. همه آنها برای حل مسائل حیاتی که در برابر زحمتهای کشورشان قرار دارد، مبارزه می‌کنند. برخورد متفوت آنها در سیمباری از مسائل، مانع از آن نیست که به شیان نظرمیان خود بپردازند. شرکت کنندگان این دیدار به خاطر حفظ صلح، به خاطر نجات بشریت از فاجعه هسته‌ای، به خاطر نجات زمین از محیط زیست، به خاطر تریب تریب نژادی، به خاطر مین حقوق بشر و فراتر از این نظم نوین با دلانها اقتصاد می‌رزق می‌کنند. در زمینه دستیابی به اشتراک نظر در زمینه این مسائل مهم گام‌های جدید و مهمی برداشته شده است. ما فکر می‌کنیم که همگاری در زمینه حل این مسائل نه تنها ممکن، بلکه برای کاملاً ضروری است.

فضای دموکراتیک حاکم بر این دیدار به گونه‌ای است که هر یک از نمایندگان آنجا که لازم می‌آید، نقطه نظر خود را با صراحت بیان می‌دارند و دیگران آن نیستند که بیایان نظرات در مناسبت آن با یکدیگر سر خدشای وارد آورده و در مناسبت آن با یکدیگر

و در فضای صمیمانه تریبان دارا. ما فدائیان خلق ایران دیدار را فرخه‌ها مکان کسب تجربه مفید برای مبارزه انقلابی را فراموشی آورد، استقبال می‌کنیم. خلق ایران امروز از تجربه انقلاب فوریه ۱۹۷۹ برخوردار است. این تجربه می‌تواند هم برای کشورهای در حال رشدی که ما لهر شانس سیم - صلح سر می‌یابد و با بسته و همه خصیصتهای منفی آن مواجه هستند و هم برای کشورهای که در نایب نهضت‌های مذهبی-قشری روحانیت وجود دارد، مفید باشد. ما که در راه صلح، دموکراسی، استقلال و پیروزی به سوی سوسیالیسم مبارزه می‌کنیم، برای تبادل نظر ارزش عالی قائلیم و از آن استقبال می‌کنیم.

بسیاری از سخنرانان در این دیدار از گسترش روندهای تازه هم در جهان سوسیالیسم و هم در جهان سرما به داری سخن گفتند. جهان کنونی در حال تغییر است. ما با این نکته موافقیم که در جواب بقیه د صفحه ۱۴

ویژه ۷۰مین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

سخنرانی میخائیل گارباچف رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی در دیدار با نمایندگان احزاب و جنبشهای شرکت کننده در مراسم بزرگداشت ۷۰مین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

رفقای محترم، دوستان گرامی

با دیدگر به شما درود می فرستم و این بار به مناسبت شرکت کنندگان در این دیدار ما آن که از هر نقطه نظر غیر عادی است و آن تغییرات زرفی را که جهان ما را از سر می گذراند، با زتاب می دهد. فرمت را می بینم تا آنجا که شما به خاطر آن که به کشور ما آمدید و در جشن های ما شرکت کردید، تشکر کنم. این امر برای ما هم افتخار و هم حمایتی است بزرگ. رفقا و دوستان گرامی! همه شما در اجلاس رسمی ویژه هفتاد و دو سال اکتبر حضور داشتید. این امر مسأله از حیثیت مجدد در مورد مسائل خودمان معاف میکند در این جلسه می خواهم برخی ملاحظات را در ادا داشته که در گزارش گفته ام، در میان بگذارم.

زمانی که موج نیرومندان انقلابی فروخواهید، و اولین زودتر از دیگران همه سخنرانی حرکت به سوی آن اهداتی را که به نظر خیلی ها انقلاب اکتبر آن قدر نزدیک کرده بود، دریافت. ایده نپ او، ایده دیگرش یعنی کمونیستی مسأله امتیاز از عصرهای گذشته و مسأله سیاسی و حتی دیپلماتیک بود، به عرصه قوانین بنیادین دوران نشان داد. راست این است که در این مبدع، گاهی نظراتی دیگر دست با لایبید می کردند. اما اکنون دیگر بر تالی برای فریب تا ریخ که گاهی بنا را نه بر واقعیت بلکه بر آنچه دلخواه مان بود، می گذاشتیم. قاطعانه می فرمایم. ویژگی های رشد توکار مل جهانی که طی تمام دوره بعد از جنگ انباشت می شدند و نتایج می یافتند، در سال های ۸۰ به طور بارز نمودار گردیدند: قبل از همه ویژگی های عصر هسته ای که مسأله خودیقا بشریت را پیش کشیده بود، سپس روند پیروزی شدن روابط اقتصادی جهانی و تشدید وابستگی متقابل کشورها و خلق های جهان - روندی که از انقلاب علمی - فنی معاصر نیرو می گیرد - و شکل گیری یکبارگی جهان در عین تنوع و متفاوت بودن آن. و بالاخره حادثه بی بی مسائل جهان نشمول، مسأله ای که خود قاطعیت بیولوژیک نظامی انسان با فطرت، شتاب و تنش های هستی معاصر را به یکبارگی قرار می خوانند.

این همه، مضمون ایده همزیستی مسالمت آمیز در وجودی جدید روشن بی سازد این خود از زینت های سیاسی، تحلیل جدیدی از تبیین وظایف انسان و غلبه بر شما ها و الگوهای موجودا بیولوژیک را طلب می کنند. این هم کاری است دشوار. هیچ کس نسخه آماده ای ندارد. مشکل کسی بیسما نی در اختیار داشته باشد که بتواند به خروج از لایبرنت (دالان بیسماج) برسی. جهان متفا دکنونی کمک کند. ماضی طرح ایده ایمان در مورد تفکر یون به هیچ وجه مدعی در انحصار داشتن حقیقت نیستیم؛ ما خودمان در جستجوی دیگران راه مدعوت می کنیم تا به اتفاق به جستجوی راه های بیرون ازیم که شریعت بتواند از میدان زمین گذاری شده ای کمونیستی گذر کرده، به قسرن ۲۱ به جهان غیر هسته ای و عاری از زور و ترس آید. البته در چشم انداز تاریخی، همان سوسیالیسم است که به تبیین کننده رادر فع نقاط بحرانی که در رشد توکار مل تمدن پدید آمده اند، با خواهد کرد. عقدا دما چنین است. همانا این نظام قاطعیت با لایبید در ادا در کجه به طور و شریعتجوی آن "اندازه" هکلی و آن تعادل منافع تا شریکدار در کجه شریعت امکان خواهد داد. به سطحی اصولا متفاوت و نجات بخش برای جامعه شری قرار آید.

در ماهیت امر، زرف ترین انقلاب اجتماعی در جریان است که سرچشمه های آن هم به اکتبر ۱۹۱۷ بر می گردد. اما دوام، تا زگی ونا موزونی این انقلاب لقیق و همزیستی پیشرفته و "پس غلت ها"، و جابجائی و ترتیبناط متقابل روندهای انقلابی و تدریجی آن، هر شمای منطقی را که مطابقت رستا به های قدیمی تنظیم شده باشد، عقیم می سازد. منطق حرکت اجتماعی دوران هرچه آشکارتر می شود، جوهر این منطق در خود-یا اعتبار شدن مادی و معنوی با معما مستحار می است. ننگات منفی در تاریخ سوسیالیسم، نه انبوه کتب نافیان ما رکسیم و، وحدت و طرافت بلشیک ایدئولوژیک در جهان، نتوانسته اند این استخراج را نی کنند که برای سرمایه داری آلترنا تیوی وجود دارد. و این آلترنا تیویو یسیالیسم است.

لیکن گونا گونی رشد همچنان باقی است. در هر حلقه زلزله نا ریخ بر واهی جهان کشتهگان آن را در اندک خطرناک ترین تضادهای لحظه معین حذف کند و سوسیالت خود را تجدیدنا بنند. مثلا استفاد سرمایه داری از انقلاب علمی-فنی نیز همین گونه روی داد. البته آنتا گونیسم های داخلی نظام ما به داری در هر مرحله جدیدی ز تولیدی می شوند، اما به شیوه ای جدید، به سه نهای دیگر.

از این گذشته، انقلاب تکنولوژیک تنها در همان آغاز خود است و بیامدهای ملی بهره گیری از آن به شیوه سرمایه داری در پیش است. پژوهش تئوریک ی این مجموعه مسائل نیز تنها در اندر شروع می شود. در پشت فرمول متداول فنی مستمر بحران عمومی سرمایه داری، تا زده راجوه ر آنچه که از پیش بینی های آس می که بگذریم. در شیوه تولید به وقایع می پیوندد، نما یان می گردد. این نکته نیز که سوسیالیسم واقعی فعلا به لحاظ سطح رشد توکار مسالمت نولوژیک از سرمایه داری عقب مانده است، نیل به سطح نوینسی از درک ندها را مانع می شد. زمینه های رفع این عقب ماندگی در جریان نوسازی قلابی جامعه سوسیالیستی و گذار آن به وضعیت کینیتا نوین، فراهم آید. اما همانا این جامعه، یعنی جامعه فردا، همان ترا زعالی تیری از سوسیالیسم است که به کمک کسان می خواهد مذک در بی آلترنا تیوی اجتماعی شوند.

اگر توجه کرده باشید من در گزارش خود در اجلاس رسمی از دوتجلی به ویژه رنا که قانومندی های سرمایه داری در صحت کردم - نظامی گری و مبادلتی امعادال با جهان روه برد. لیکن این پذیردها تنها به مددیک سیاست دولتی خور، امکان پذیرند. و این سیاست هم تا زمانی مورد پشتیبانی قرار می گیرد و حجت در برابر "خطر شوروی" یا پرچاست، تا زمانی که این اعتقاد در اذهان زکده است که منافع ملی "اطلی" داریم و منافع ملی در جودم، در سیاست نتها دجانی "سوزگت" ها می هست و "بژگت" ها می، یعنی فضایی استعماری. نوسازی ما با تمامی پیا مدهای بین المللی اش و حجت در برابر "خطر شوروی" در هم می کشند و میلیتاریسم توجیه سیاسی خود را از دست می دهد. غیر قاطعیت بل بودن و هلاکتباری ائتلاف منافع جهت تسلیحات نیز، هم در قبایل خطر نولوژیک و هم در رابطه با رشد بیگاری که در دور جدید انقلاب علمی-فنی به

مسأله ای که ملامت و تنبیه نسبت به گذشته تبدیل می شود، هرچه آشکارتر می گردد. سیستم مالی نیز که کتاب تحمل افا فضا رسا بقه تسلیحاتی، بدهی های نجومی دولتی و خودخواهی هژمونستی اقتصادی را نندارد، علامت خطری می دهد. از سوی دیگر، تحرک جدیدها می بخشی که در مرحله کنونی در "جهان سوم" (در رابطه با خود این اصطلاح من با نظر سخنران قبلی روبرو ام. موافقم در حال شکل گیری است نشان از آن دارم که در کشورهای روبه رشد در رابطه اقتصادی جهانی موقعیت برابر پیدا نکنند، اگر ایده نظام نوین اقتصادی جهانی به جا عمل پوشیدن آغاز نکنند، و اگر حل مسأله "خلع سلاح برای رشد" در دستور اجرا قرار داده نشود، انجاری رخ خواهد داد.

در چنین راستا ها می از روند جهانی هم هست که شکل گیری "نوده بحرانی" - که مسأله بودن یا نبودن تمدن را طرح می کند و بر همه آنچه در جهان روی می دهد، تا شری می گذارد - در جریان است. اکنون دیگر نمی شود رشتوکار مل جهانی را صرفا از نقطه نظر مبارزه دو سیستم اجتماعی متفا د مورد بررسی قرار داد. دنیا لکتیک این رشتوکار مل عبارت است از وحدت، تقابل، مسأله و همگاری کثیری از عوامل. در همین همگاری جامع مختلف است که هر یک امتحان خود را پس می دهد. البته این امر به معنای نوعی اتحاد همگرا نی نیست.

ما یک سروزن هم از ارزش های راستین سوسیالیسم عقب نخواهیم نشست. برعکس، بارها کردن خود ز همه آنچه که مفهوم بشر دوستانه نظام ما را قلب می کرده است، این ارزش ها را غنا خواهد بخشید و رشتوکار مل خواهد داد. ما به هیچ وجه در بی آن نیستیم که دشمن طبقه ای را "تکته" ما بشود. ما املات "سازنی به این امر نداریم. ما روی این حساب می کنیم که زندگی او را وادار خواهد کرد و رشتوکار مل را در نظر بگیرد و در کجند که همه در یک قایق هستیم و با بی نظوری رفتار نکنیم که قایق از گون نشود.

برای سوسیالیسم در این راستا، هم منافع طبقاتی به مثابه نظام و هم منافع عمومی تیری، به نوعی در هم می آمیزند و یکی می شوند. و برای سرمایه داری راه معقول دیگری جزمیستی و مسابقه وجود ندارد. تنها به اتفاق می توان خطر جهانی را "کولوژیک را تضعیف کرد و از بین برد. این مسأله مدتهاست که به مسأله ای بین المللی تبدیل شده است.

همچنین به تنهایی مشکل بتوان مسأله انرژی را نیز به طور ادیکال حل کرد تا جبهه رسیده بهره برداری از همه ثروت های اقیانوس جهان. و بالاخره حرکت به ارتفاعات محیط نزدیک کره زمین و از آن بالاتر، فضای نزدیک خورشید و ستارها، تنها از خرد جمعی بشریت بر می آید. مسأله ای که جنبش کمونیستی مفا می شایسته و معتبر در میان آنان داشته و خواهد داشت، خطر ترا زهرمان است.

در اینجا می خواهم به شما بندگان از طرف حزب کمونیست اتحاد شوروی چند کلامی به آنچه که به پیروان در گزارش گفته ام، اضافه کنم. همانند بسیاری از دیگر بیدیه های جهان معاصر، جنبش کمونیستی به نوسازی و تحولات کیفی نیاز دارد. امروز به ویژه اهمیت دارد که این جنبش نه تنها نیروی ملی، بلکه به لحاظ شریعت خود نیروی بین المللی است. چنین نیروی برای شریعت معاصر به ویژه ضروری است. تا آنجا که به حزب کمونیست اتحاد شوروی بر می گردد حزب ما به برتا مفا و کارهای درونی خود را از من بین المللی و البته خارج از انبساط با آن اهمیتی که این برتا به ما برای برادران آرمانی ما و کلا برای نیروهای پیشروا رند می یابیم. ما می توانستیم داشته باشیم، نمی ندیدیم. ما خودمان عمیقا احساس کرده ایم که چگونه در دوره رکود، با تحرک بین المللی سوسیالیسم گام می شد. بنا بر این نوسازی از نقطه نظر هم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ضرور گردید. ما به اهمیت کار خود در مرحله جدید نه تنها به لحاظ سیاست و اقتصاد دجانی، بلکه همچنین به لحاظ تقویت معنوی نیروهای سوسیالیسم دمکراسی و پیشرفت کلا واقف هستیم.

لیکن تنها فعالیت موازی در کشورهای خود کافی نیست. همگاری هم، البته در اشکال امروزی، ضروری است. فرهنگ مناسبات متقابل کلا مل تری - اگر بتوان چنین بیان کرد - میان نیروهای ترقی خواه مورد دنیا زاست. آن چنان فرهنگی که در دهم نباشتن تمام تحریکات متنوع را امکان پذیر سازد و درک جهان را پیرامون با همه رنگارنگی و تضادهای آن با بی رستا نند. "تبختر طلایی" ما و همه از آن می توانیم برای سوسیالیسم ما استفاده کنیم. حکایت از اعدا دت حان سخت نفی فوری نقطه نظرات دیگر دارد. در این حالت نه دای لوگ و نه سنجی شریعت با شمی گیرد. و مهمتر از همه آنکه، به کار لطمه می خورد.

همان گونه که در ابتدای قرن نهمیست تمامی احکام ما رکن وانگلس به طور دگما تیک به عصر امپریالیسم بسط داده می شد، همان گونه هم به طور اولسی نمی توان با کمک احکامی که در سال های ۵۰ و ۶۰ و حتی ۳۰ پدید آمده اند، دوران معاصر را ارزیابی کرد. با بدمیراث تئوریک را که توسط پیشینیان ما به ما مرها می اجتماعی انسان فراهم آمده است از نخوانند و به گونه ای، که امکان دهد تحلیلی دقیق از واقعیت های جدید دست آورده، به مطلوب ترین استنتاجات صحیح سیاسی ممکن برسیم.

درکات و آلترنا تیوی برنا مای برای جامعه آنتا گونیستی و تشنج تقابل میز در عرصه جهانی، بسیاری مسائل با یه جواب داده شوند. حزب ما و نیروهای تئوریک و علمی آن ضمن رها ساختن خود از تصورات و شمای مولود زمانی متفا وت و مگانا می متفا وت برای خلاقیت، مطالبه این مسائل را به بطور جدی آغاز کرده اند.

مانه تنها احزاب برادر، که سوسیالیستها و سوسیال - دموکراتها، نمایندگان سارجریان های اندیشه و عمل سیاسی، و همه کسان را که دستاوردهای روح انسانی را عزیز می دارند و می خواهند با ستا وردها را برای نسل های آینده حفظ کنند و مورد استفاد قرار دهند، به همگاری و کوشش مشترک دعوت می کنیم. این کار برای درک شرایط جدید که در آن نوسازی تمدن با وظایف تا مین بقا نوع بشر در هم تنیده شده است اهمیت حیاتی دارد. تفکرتوین، اخلاق نوین و روانشناسی نوین نیز هست. این تفکر متوجه آن است که هر انسان در حالی که همچنان یک شهروند کشور خود، عضو حزب خود و عنصر فعال هر جنبش ترقی خواه ملی است، با پیدا ز مسئولیت در قبالی آن که کل جهان را به کجا خواهد برد و تا سا آیا جهانی در کار خواهد بود یا نه، سرش را نشود.

سخنرانی... به مسائلی که سیرتکا مل اجتماعی پیش می کشند، کوشش‌ها می با خصلت فرا ملی با دیده کار بستن...

آشتی ملی تنها راه دفاع از انقلاب ثور است. در مورد مسائلی فلسطین، ما از پیشینها داخا دشواری مبنی بر فرار خواندن کنفرانس بین المللی در مورد خاور...

همین منی نیز از جانب نیروهای ترقی خواه هم برای امریکای مرکزی، هم برای آسیای جنوب شرقی و هم برای سایر مناطق پیشینها شده است. ما از این منی حمایت می کنیم.

عمومیتر و ملح. عملی های کنونی - ونه تنها در کشور ما - در قبایل سرنوشت تمدن و خوبی حیات ترویج برای این تاریخ تبدیل خواهد شد...

سازمان فداشان خلق ایران (اکثریت) به گرمی از روند انقلابی نو سازی که در اتحاد شوروی جاری است، پشتیبانی می کند.

این واقعاتی تا سفاد رده که کسانی در میان مبارزان میهن ما یافت شوند که خود را انقلابی و مترقی بنامند اما از بی مروت ترین محافظ سیاسی ایران و جهان برتر سنگه پشت میزی بنشینند که تقریباً همه نیروهای انقلابی و مترقی جهان از کمونیست ها گرفته تا محافل صلح دوست بورژوازی را همه با هم در بر گرفته است.

این سازمان فداشان خلق ایران (اکثریت) به گرمی از روند انقلابی نو سازی که در اتحاد شوروی جاری است، پشتیبانی می کند.

این واقعاتی تا سفاد رده که کسانی در میان مبارزان میهن ما یافت شوند که خود را انقلابی و مترقی بنامند اما از بی مروت ترین محافظ سیاسی ایران و جهان برتر سنگه پشت میزی بنشینند که تقریباً همه نیروهای انقلابی و مترقی جهان از کمونیست ها گرفته تا محافل صلح دوست بورژوازی را همه با هم در بر گرفته است.

در رخنه های تیره ویرانه های ما، در چشمه های روشنی خانه های ما، در هر کجا که مرده به داغی است، پا دل فسرده ما شده چراغی است، تا شیر می کند.

قطعاتی از سرورده تیما به مناسبت انقلاب اکتبر به ننگ بلندو دلکن نا قوس در خلوت سحر بشکافنده است خرم خاکسترها وز راه هر شکافنده زخمه های خود دیوارهای سرد سحر را هر لحظه می درد...

و زهر نشوای این نکته گشته فاش کا بین کچه دستنگاه

سوی هر آن فرا زکده های، اندر هر آن نشیب که خوانی،

خاموش تا کند

خاموش تا کند

جهان در انتظار

دیدار رهبران اتحاد شوروی و آمریکا

روز ۱۶ آذر (۷ دسامبر)، میخائیل گورباچف رهبر اتحاد شوروی و ریگان رئیس جمهوری آمریکا در واشنگتن برای عقد قرارداد پیرومیان زمین بردن موشکهای میان بردها...

"اجلاس امان" در دفاع از قطع جنگ

اجلاس فوق العاده سران ۲۱ کشور عرب با شرکت با سرعفات رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین روز ۹ آبان در "امان" پایتخت اردن به کار خود پایان داد...

برای آزادی فلسطین، جنبه خلق برای آزادی فلسطین، جنبه آزادی فلسطین و جنبه آزادی عربی و عسدهای شخصیت مستقل و منفرد تشکیل شده است...

سازمان آزادیبخش فلسطین پس از نزدیک به ۵ سال اختلاف وجدائی، در هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین (از ۹ آبان تا ۱۶ آذر) در تبعید فلسطین کبش ۴۰۰ عضو دارد...

اشرار افغان در حضور ریگان

دو هفته پیش هیئت عالیرتبه‌ای از رهبران باندهای فدا انقلاب افغانستان برای دریا فست کبک های بیشتر، با ریگان رئیس جمهوری آمریکا دیدار کردند...

فدا انقلاب افغانستان در سال جاری تنها ۶۰۰ موشک استیگرادولت ریگان دریافت داشته است. این فقط یک قدم بزرگ است که برای افغانستان دریا فست...

در نیکاراگوئه

در پی امضای موافقتنامه‌ای در سان خوستا، در ۵ کشور آمریکای مرکزی (نیکاراگوئه، کاستاریکا، السالوادور، کوبا، کلمبیا و پاناما) که جنبه پیش دریا بخت گواشا انجام پذیرفت...

همبستگی با خلق فلسطین

۸ آذر (۲۹ نوامبر) روز جهانی همبستگی با خلق فلسطین، روز مابیت خلقهای سراسر جهان از نبردها دانده و برحق خلق دلاور فلسطین علیه تجاوزات و تعدیات اشغالگران...

بنگلادش علیه دیکتاتوری

چند هفته است که اعتمالات و نظارات مکرر خیا بیانی در "اداکا" پایتخت بنگلادش در پیش از ۱۰ شهریور دیگران کشور، پایه‌های حکومت دیکتاتور ژنرال ارشاد بفرز در آورده است...

